

© Gisela Filc, National Awards, Winner, Argentina, 2019 Sony World Photography Awards

انسل

ماهنامه تخصصی هنر عکاسی

سال دوم شماره شانزدهم خرداد ماه ۱۴۰۳



Anselmagazine



21 05 2024 03 15

پهرست گفتارهای این شماره

۲ فرود سخت بالگرد

۳ آغاز سخن

۴ هیپا یک همآوردی عکاسی ارجمند در خاورمیانه

۱۰ مرور برخی عکس های برگزیده در همآوردی های عکاسی گوناگون

۱۸ نگاهی گذرا به کتاب بنیادهای داوری عکاسی، نوشته تام انگ

۳۲ یک پیرنگ برجسته عکاسی: زخم های ناپیدا ۲۲ یک عکس: مرز خسروی، بازگشت نخستین گروه از اسیرشدگان جنگ

۳۳ گزارش ویژه عکس انسل، هنگامی که جهان در دبی پایکوبی می کند

۴۰ یک کتاب عکس و گزاره ای بر آن: زندگی و دیگر هیچ، جاسم غضبانپور

۴۲ داستان یک عکس ۴۳ بخش سینما و عکس: محمد رسولوف

۴۵ فراخور درگذشت بانو زری خوشکام ۴۶ صدای عکس: دو عکس از چشم اندازهای جنوب ایران

داستان - ماجراهای زندگی پر رمز و راز گربه های خیابانی دبی (قسمت ۱۴ - پایانی) ۴۷

آموزه ای درباره ترکیب بندی و نوردهی عکس، بخش سوم - جوئل گرایمز ۵۲

ابزارهای کاربردی در عکاسی ۵۵ بازبینی عکس های دیرین ۵۶ عکس ویژه ۶۱ در پیوند با ماهنامه انسل ۶۲

www.anselmagazine.com



سرمدیر: رضا تجویدی

با سپاس از هنرمندهای گرامی: بهزاد دورانی، عباس عربزاده، جمال رحمتی، جاسم غضبانپور

رایزن بخش عکاسی مستند اجتماعی و مردم نگاری: حس غفاری

نگارگر رویه ماهنامه: حبیب کاووسی

عکس رویه: پرتره دختر آرژانتینی از گیزلا فیلک، (برگزیده همآوردی عکاسی سونی) عکس پشت رویه: پرتره ای از محمد رسولوف
همکاران این شماره: هیپا، تام انگ، جوئل گرایمز، گیزلا فیلک، جاسم غضبانپور، اسماعیل داوری، احمد ناطقی، شایان حاجی نجف، حسین خائف، حبیب کاووسی، سونا خوشخبری، حیدر جامعی، وحید قربانی فر، بشایر عارف

پیوندها: @anselmagazine / info@anselmagazine.com

هرگونه بهره برداری از درونمایه این ماهنامه بدون نام بردن از ماهنامه انسل ناروا است.



فرود سخت بالگردی که جایگاه گرفتن عکس های پرتره شد.

عکس: رضا تجویدی

آغاز سخن



همآوردی های عکاسی را به گمان می توان به سه دسته بخش کرد: دسته نخست، انگشت شماری همآوردهای عکاسی هستند که در رده جهانی دارای ارجند و برگزیده شدن در آنها، پشتوانه ای راستین و نشانه ای از چیره دستی برای عکاسان خواهد بود. ولی دسته دیگر، همآوردی هایی هستند که به گونه ای برای سوداگری ساخته شده اند. ساختار آنها بگونه ای پی ریزی شده است که برای پذیرش هر عکس، از عکاس هزینه ای دریافت شود و در پایان، بخش اندکی از پول انباشته را، به نام پاداش، به عکس های برگزیده می پردازند و بخش بزرگتر پول گردآمده، سود برگزار کننده خواهد شد. دسته سوم، همآوردی هایی با انگیزه های روشن یا پنهان هستند. در آنها، اگرچه عکاس هزینه ای برای فرستادن عکس نمی پردازد، ولی با این کار، برای انگیزه برگزار کننده، پیشکاری رایگان می کند. انگیزه ها، گاهی رواج دادن چیزی در میان مردم و یا گسترش پیامی ویژه هستند. گاهی هم، انگیزه می تواند گرد آوری و بایگانی شمار زیادی عکس چیره دستانه، برای یک جستار یا پیرامون یک سوژه دلخواه باشد.

در پایان، از آنجا که هر برگزار کننده همآوردی، راه و روش ویژه خودش را دارد و نیز، تا اندازه بسیار بالایی پسند و دیدگاه داوران در برگزیدن عکس ها کارساز است، بنابراین، بردن و برگزیده شدن در یک همآوردی نباید انگیزه نخست برای عکاسی کردن باشد. بیشتر از آن هم، برگزیده نشدن و باختن، نباید مایه از دست رفتن شور و انگیزه یک عکاس برای پیشرفت در کارش شود.

هر هنرمند، با گذشت زمان راه ویژه خود را پیدا خواهد کرد. راهی که بیش از هر چیز، استوار بر هوش، توانایی، گرایش و بینش خود اوست و در این راه، پشتکار و آفرینشگری، چاشنی کامیابی های بیشتر او خواهند شد.

ماهنامه انسل، شماره شانزدهم، خرداد ۱۴۰۳

هیپا HIPA، یک همآوردی عکاسی ارجدار در خاورمیانه



جائزة حمدان بن محمد بن راشد آل مكتوم الدولية للتصوير الضوئي
HAAMIDAN BIN MOHAMMED BIN RASHID AL MAKTOUM INTERNATIONAL PHOTOGRAPHY AWARD

"هیپا"، واژه ای کوتاه شده برای همآوردی جهانی عکاسی بزرگوار شیخ حمدان است. این همآوردی نامدار، مونه ای (ایده ای) از سوی جانشین شیخ امارت دبی است که از سال ۲۰۱۱ میلادی کار خود را در گستره ای جهانی آغاز کرده و بر انگیزه هایی نیکو استوار بوده است. انگیزه هایی همچون: نیروبخشی به نما و چهره فرهنگی امارت دبی در گستره جهانی، ساختن بستری برای رویش و پیشرفت هنری و فرهنگی شهروندان و سر بر آوردن کسانی توانا و بال و پر دادن به آنها، فراهم سازی بستری ارجمند برای شناساندن هنرمندان بومی به کارگزاران فرهنگی و هنری در جهان و انگیزه های بسیار دیگر.... ناگفته نماند که بزرگوار شیخ حمدان خود از دوستداران این هنر بوده و گاهی عکاسی هم می کند.

نخستین همآوردی سالانه هیپا در سال ۲۰۱۲ میلادی پیرامون جستار ویژه آن: ساختن آینده، برگزار شد و آگهی عکس های برگزیده در هر بخش و واگذاری پاداش های کلان به آنها در سال ۲۰۱۳ پس از پایان داوری، انجام گرفت. پس از آن نیز، هر ساله همآوردی عکاسی هیپا پیرامون یک جستار گزینش شده همراه با بخش های دیگری همچون عکس های آزاد (فرا جستار) رنگی و سیاه سفید و نیز انبوهه عکس، دربرگیرنده دسته ای از عکس های پیوسته به هم، برگزار شده است.

جستارهای سالانه هیپا بر پایه چیدمان چنین نام گذاری شده اند:



- ۲۰۱۲ ساختن آینده
- ۲۰۱۳ زندگی در رنگ
- ۲۰۱۴ شادی
- ۲۰۱۵ چالش
- ۲۰۱۶ در هنگام
- ۲۰۱۷ امید
- ۲۰۱۸ آب
- ۲۰۱۹ آدم گری (انسانیت)
- ۲۰۲۰ زیستگاه
- ۲۰۲۳ گوناگونی



پایداری، جستار گزیده برای همآوردی هیپا در سال کنونی ۲۰۲۴ است. پنداره ای که در پس این جستار است، همانا، انبوهی از راهکارها هستند که بتوانند مایه ماندگاری و پابرجایی بهتر زمین و زندگی آدمیان بر روی آن در کنار بهبود، گسترش و پیشرفت آنها شوند. آنچه از شما برای این بخش از همآوردی خواسته می شود این است که چگونگی و ارزشمندی این راهکارهای پایداری را به مانند کاشتن دانه ای در امروز و برداشت دستاورد آن در فردا، با بکار گیری دوربین و لنز خود نشان دهید.

در این شماره از ماهنامه انسل و در اینجا، به گونه ای گسترده، به درون مایه، چگونگی و پیمان های در این همآوردی هیپا می پردازم، با یادآوری این نکته که هنوز زمان برای فرستادن عکس و راه یابی به آن هست...

هیپا ۲۰۲۵-۲۰۲۴ - جستار ویژه: پایداری

زمان برای فرستادن عکس: از ۱۸ اسفند ۱۴۰۲ تا یکشنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۳

بخش ها:

پایداری (یک عکس)

عکس ورزشی (یک عکس): داستانی پر شور از هنگامه های ورزشی و یا یک نمایش دیداری نیرومند در ورزش با عکس

دسته عکس های داستان گو: (بیشتر یا برابر با ۵ عکس و کمتر یا برابر با ۱۰ عکس) چالشی برای عکاسان چیره دست، برای داستان گویی با انبوهه عکس، بگونه ای که همه عکس ها در پیوند با هم و پیش برنده یک داستان یگانه باشند.

بخش آزاد، دربرگیرنده زیر بخش های عکس رنگی و عکس سیاه سفید، (هر کدام یک عکس) این بخش این آهنگ را دارد که به عکاسان برای آفرینشگری بیشتر، آزادی دهد.

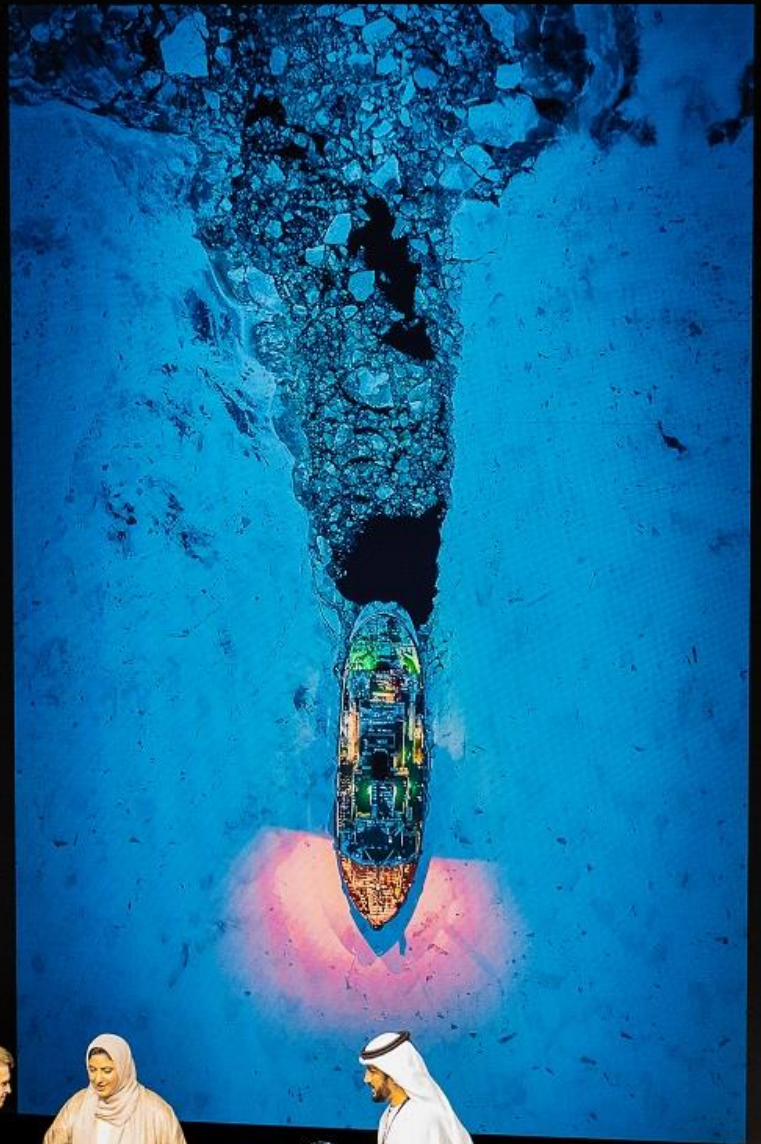
ویدیو کوتاه: فراخوانی برای ویدیوهای کوتاه انگیزش بخش و چه بسا فراتر از گیتی و زمان خود، که مایه گسترش کارمایه های سودمند در میان آدم ها می شوند.



كاسحة الجليد أثناء العمل
Icebreaker in Action

المركز الأول
1st Place

المحور العام - الملّون
General - **Colour**



پاداش ها

GRAND TOTAL 1,000,000

برگزیده ها در بخش پایداری:

رده نخست: ۴۰ هزار دلار رده دوم: ۳۰ هزار دلار رده سوم: ۲۰ هزار دلار

برگزیده ها در بخش عکس ورزشی:

رده نخست: ۴۰ هزار دلار رده دوم: ۳۰ هزار دلار رده سوم: ۲۰ هزار دلار

برگزیده ها در بخش دسته عکس داستان گو:

رده نخست: ۵۰ هزار دلار رده دوم: ۴۰ هزار دلار رده سوم: ۳۰ هزار دلار

برگزیده ها در بخش عکس آزاد رنگی:

رده نخست: ۴۰ هزار دلار رده دوم: ۳۰ هزار دلار رده سوم: ۲۰ هزار دلار

برگزیده ها در بخش عکس آزاد سیاه و سفید:

رده نخست: ۴۰ هزار دلار رده دوم: ۳۰ هزار دلار رده سوم: ۲۰ هزار دلار

برگزیده ها در بخش ویدیو کوتاه:

رده نخست: ۴۰ هزار دلار رده دوم: ۳۰ هزار دلار رده سوم: ۲۰ هزار دلار

پاداش های ویژه

عکاس سال با گزینش هیپا: ۸۰ هزار دلار

بهترین آفریننده بن مایه، نوشتار و گفتار برای عکاسی: ۵۰ هزار دلار

عکاس شایسته ستایش: ۱۰۰ هزار دلار

جایزه بزرگ هیپا ۲۰۰ هزار دلار

آساها (قوانین)

الف: فرستادن عکس

- عکس ها فقط می توانند به گونه دیجیتال و از راه تارنمای هیپا به نشانی www.hipa.ae فرستاده شوند و پیش از آن نیز، باید در تارنما نام نویسی شده باشد و نمایه کاربری (پروفایل) باز شود.
- عکس های فرستاده شده تنها در بازه زمانی ۱۸ اسفند ۱۴۰۲ تا ۱۰ تیر ۱۴۰۳ پذیرفته می شوند.
- درخواست کنندگان برای همآوردی، باید در هنگام فرستادن عکس به زاد روز ۱۸ سالگی رسیده باشند.

ب: ویژگی های عکس

- در هر بخش باید یک عکس که در پیوند با جستار همان است، فرستاده شده و سرنویس و گزارش هم برای آن نوشته شود. اگر چه که در بخش "انبوهه عکس داستان گو"، بین ۵ تا ۱۰ عکس با یک سرنویس و گزارش آورده خواهند شد.
- یک عکس همانند، نباید برای دو بخش گوناگون فرستاده شود، اگر یک عکس در دو بخش گوناگون همآوردی دیده شود، به شکل خودکار از همآوردی بیرون فرستاده خواهد شد.
- همه عکس های فرستاده شده باید در ساختار JPG و یا JPEG بوده و دارای کیفیت و آشکاری بالایی باشند. اندازه عکس باید دست کم ۵ مگا بایت بوده و درازترین سوبه عکس نباید کمتر از ۲۰۰۰ پیکسل باشد. همچنین کیفیت عکس کمتر از 300dpi نبوده و عکسی درخور برای چاپ و نمایش در اندازه بزرگ باشد.
- عکس بنیادین که به شکل RAW گرفته شده است و بر روی آن هیچ ویرایشی انجام نگرفته، باید همراه با هر عکس فرستاده شود.
- عکس سیاه و سفید در همه بخش های همآوردی پذیرفته می شود، مگر بخش عکس آزاد رنگی.
- در بخش انبوهه عکس داستان گو، عکس ها باید با یکدیگر در پیوند آشکاری باشند.
- در بخش ویدیو کوتاه، ویدیو فرستاده شده باید ستونی (عمودی) و با ویژگی زیر باشد:

9:16 aspect ratio, with a minimum resolution of 1080 x 1920 pixels (Full HD quality)

همچنین، زمان ویدیو کمتر ۳۰ ثانیه و بیشتر از ۹۰ ثانیه نباشد.

- عکس ها باید بدون هیچ نگاشته، نشانه یا دستینه ای بر روی آنها فرستاده شوند. همچنین به کناره های عکس چیزی افزوده نشده باشد. ویرایش عکس پذیرفته است، اگر بنیاد عکس را دگرگون نکرده باشد. ویرایشی که فریب دهنده باشد، می تواند عکس را از همآوردی بیرون کند و بررسی و دریافتن آن به دست گروه هیپا انجام خواهد گرفت.
- عکس هایی که درون مایه ناشایستی داشته باشند و یا ناسازگو بوده و به گونه ای با فرهنگ، آیین و هینجار های کشور امارات متحده عربی ناسازگار باشند، پذیرفته نخواهند شد.
- عکس هایی که پیش از این برنده شده اند، چه در هیپا و یا در هر همآوردی دیگر در هر جای جهان (تا پیش از ۱۰ تیر ۱۴۰۳) و یا برای انگیزه های سوداگرانه بهره برداری شده باشند، به شکل خودکار از همآوردی بیرون برده خواهند شد.

پ: پاداش ها

- گروه داورانی که از سوی هیپا برای داوری عکس ها فراخوانده شده اند، عکس های برنده در هر بخش را گزینش خواهند کرد و در پایان و در یک جشن همگانی، برنده ها آگاهی رسانی خواهند شد.
- برندگان همآوردی باید همه داده های نیازین و پرداختگاه بانکی خود برای واریز پاداش نقدی به آن را برای هیپا بفرستند و هیپا در درازای ۲ ماه پس از آگاهی رسانی همگانی بردگان، پاداش ها را خواهد پرداخت.
- چنانچه نیاز بود، پاداش نقدی می تواند به شکل چک بانکی از سوی هیپا به برنده داده شود.
- داوران همآوردی هیپا شایستگی آن را خواهند داشت که بدون هیچگونه نیازی به پاسخگویی و یا بازگو کردن انگیزه خود، عکس را رد یا پذیرفته نمایند.
- هر گونه باج و خراجی که در رده کشوری یا جهانی به پاداش های نقدی بسته شود، بر دوش برنده خواهد بود.
- داوری هیپا و عکس های برگزیده و یا رد شده در همآوردی فرجامین هستند و بازنگری در آنها شدنی نیست و از فرستادگان عکس خواسته می شود که بر آن ارج بگذارند.

ت: عکاس برگزیده سال

درخواست کنندگانی که می خواهند در بخش عکاس برگزیده سال بررسی شوند باید کارمایه های زیر را به هیپا نشان دهند:

- یک زندگینامه هنری، کمتر یا برابر با ۵۰۰ واژه بکار رفته در آن.
- یک نامه با کمتر از ۱۰۰ واژه که نشان دهد چرا شما شایسته دریافت پاداش عکاس برگزیده سال هستید.
- شما باید از دست کم سه دستآورد بزرگ خود که در درازای یک سال گذشته رخ داده اند، برای ما بگویید.
- هر دستآورد باید با روشنگرنامه نگارشی و کمتر یا برابر با ده عکس یا پرونده دیگر همراه باشد.
- همه پرونده ها باید تا پیش از دهم تیر ۱۴۰۳ به دست هیپا رسیده باشند.
- شما باید اکنون یک پیرنگ عکاسی در دست کار داشته باشید و روشنگرنامه آن را بفرستید.
- شما باید یک پیرنگ برای کار در آینده در دست داشته باشید و روشنگرنامه آن را بفرستید.
- شما باید یک تا سه عکس که شناسانده روش یگانه شما در عکاسی است را بفرستید.
- شما پس از فرستادن پرونده ها، ۷ روز زمان خواهید داشت تا اگر دگرگونی یا ویرایشی نیاز بود، انجام دهید.

ج: هوده ها (حقوق)

- عکس های فرستاده شده باید از آن خود شما باشند و کس دیگری در دارندگی آنها با شما همیاز نباشد.
- عکس های فرستاده شده نباید شکننده آساها یا دارندگی اندیشه دیگران باشند.
- شما با فرستادن عکس می پذیرید که هیپا عکس یا عکس های شما را در تارنماهای خود و یا به هر گونه چاپ در کتاب و نمایشگاه بکار گیرد.
- با برگزیده شدن عکس شما، نیاز خواهد بود پذیرش نامه ای برای کاربرد عکس، با دستینه کس یا کسانی که در عکس دیده می شوند، برای هیپا فرستاده شود.
- با برگزیده شدن عکس شما و پرداخت پاداش نقدی آن، هیپا دارنده عکس و روا برای بکارگیری آن به هر شکلی خواهد شد.
- هر گونه ناسازگاری و دو سخنی که میان فرستنده عکس و هیپا پیش بیاید، تنها در دادگاه های کشور امارات متحده عربی پیگیر پذیر خواهد بود.

مرور برخی عکس های برگزیده در همآوردی های عکاسی گوناگون



Edwin Ong Wee Kee | Malaysia
Image Credit: HIPA



Vito Finocchiaro | Italy
Image Credit: HIPA



Colour Karim Iliya | United States of America

Image Credit: HIPA



Aun Raza | France

Image Credit: HIPA



Chen-Kuang Chen | Taiwan

Image Credit: HIPA



رده نخست در بخش عکس رنگی در همآوردی عکاسی هیپا ۲۰۲۳



© Glenn Homann, Australia, Shortlist, Open Competition, Portraiture, 2023 Sony World Photography Awards



© Dinorah Graue Obscura, Mexico, Open Photographer of the Year, Open Competition, Natural World & Wildlife, 2023 Sony World Photography Awards

برنده همآوردی عکس سونی سال ۲۰۲۳ در بخش عکس زیستگاه و جانوران

عکس های برنده در همآوردی لنزکالچر در سال ۲۰۲۳ در بخش عکاسی خیابانی



Populace: Brussels, Belgium © Forrest Walker

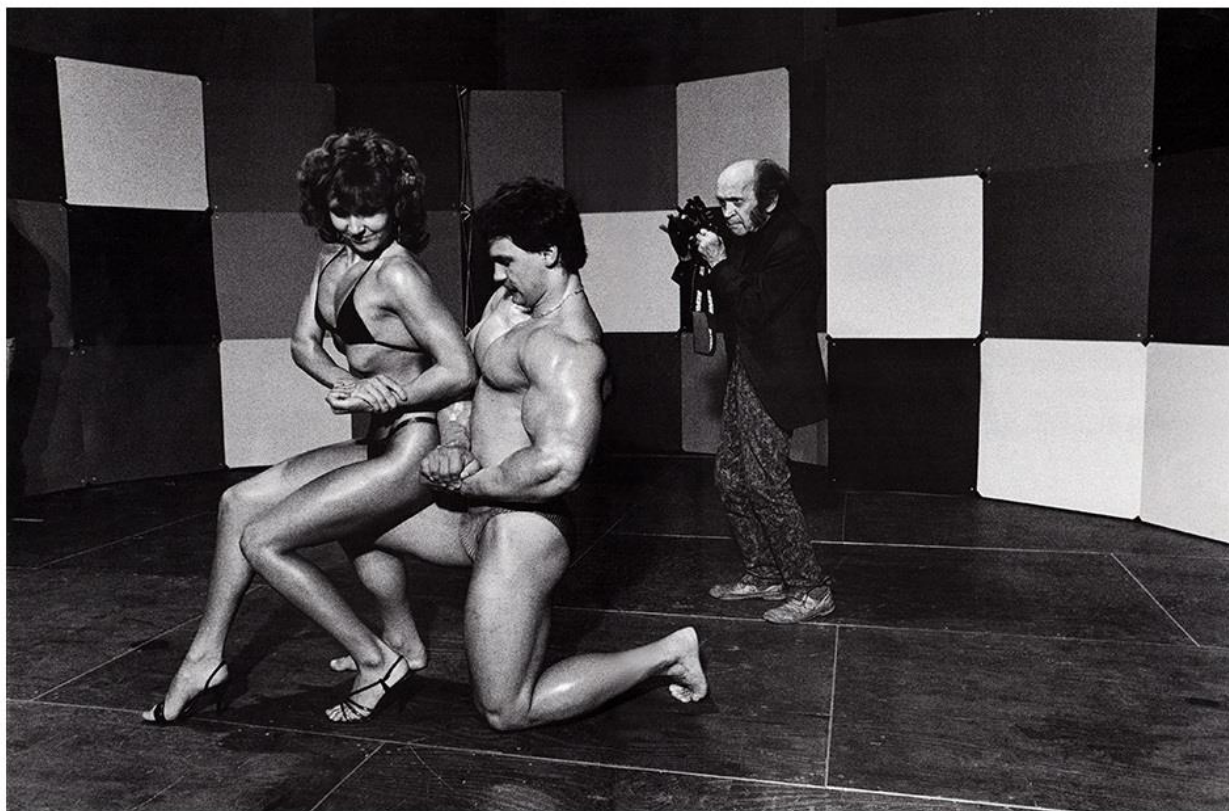


Populace: Tokyo, Japan © Forrest Walker

Grand Prize winner of the Photo Competition, Nikon Photo Contest 2022



"Tears in the rain" by Austin Garcia (Philippines)



Vitality Erwin Schwab Austria

Grand Prize



Ayimpoka
Sara De Antonio Feu

نگاهی گذرا به کتاب اصول داوری عکاسی اثر تام آنگ (ترجمه حسین خائف)

باز نگارش از شماره های پیشین (بدون پارسی سازی)

بحث داوری عکاسی یکی از چالش برانگیزترین و در عین حال سخت ترین قسمت قضاوت در خصوص یک عکس است. متأسفانه برای این مساله چارچوب قانونمند و به عبارت روشن تر هیچگونه اساسنامه و یا کتابی تدوین نشده بود. کتاب اصول داوری آنگ که برای اولین بار در ایران به زیور ترجمه و طبع رسیده است محصول تجربیات، راهکارها، شیوه صحیح داوری در مسابقات بین المللی داوری عکس است. آنگ در مقدمه این کتاب می گوید:

این کتاب یک راهنمای عملی برای داوری در مورد شاخه های مختلف عکاسی است. از مسابقات بین المللی، جوایز و کنکور برای پروژه های شخصی و موسسات آموزشی تا هرنوع بهره گیری دیگری که تصور می کنید. این کتاب منبع منحصر به فردی است زیرا می تواند تا حدود زیادی به هر کسی که عکس ها را داوری، ارزیابی، انتخاب یا از آن استفاده می کند، آگاهی برساند و به آنها کمک کند.

آنچه که ماحصل این کتاب است را می توان به چند بخش و به شرح زیر تقسیم نمود.

۱. چه کسی داور عکاسی است؟

آنگ معتقد است " هر کسی که می تواند تصویری را ثبت کند، آنچه که برای داوری در مورد یک عکس لازم است را دارد. عکاسان می توانند ببینند، چون عکاسان سلیقه های خود را دارند. می توانند ترجیحات خود را بین آنچه دوست دارند یا دوست ندارند در انتخاب عکس ها بیان کنند. به طور خلاصه، آنها می توانند در مورد عکاسی داوری کنند و تقریباً همه عکاسان مایل به بیان نظرات خود هستند. با این حال، باید به یاد داشته باشیم، داوری در مورد عکاسی معنا و مفهومی بیشتر از اعمال نظر شخصی است. دست کم، هرکسی می تواند تلاش های عکاسی خود را داوری کند، حتی اگر هرگز به تلاش دیگران نگاه نکند. با این وجود، تعداد کمی از عکاسان (که تعدادشان به سرعت در حال رشد است) وجود دارند که مسئولیت داوری ایی فراتر از مسئولیت خود را بر عهده می گیرند. (ادعای داوری دارند!).

اما براستی هرکسی که امروز دوربین بخرد، بعد از چند روز عکاسی می تواند ادعای داوری کند؟ به نظر می رسد منظور نویسنده یک نگرش کلی است و وقتی به صفحات بعدی کتاب می رسیم، تقسیم بندی ها، قوانین، اصول های ابتدایی درک عکس و... را می خوانیم، متوجه خواهیم شد که عناصر دیگری نیز در کنار مساله داوری لازم و واجب است. نخست آنکه آنگ شخص خواننده را به چالش و کنکاش درونی دعوت می کند. او با طرح پرسش های که به خود شخص داور و امر اخلاق در داوری بر می گردد، سعی دارد، اهمیت امر داوری را گوشزد کند. وی با طرح ده پرسش اساسی بر اهمیت موضوع اینچنین می افزاید:

- اگر قوانین به زبان اول شما نیستند، آیا مطمئن هستید که آنها را کاملاً درک می کنید؟
 - آیا با اهداف مسابقه یا جایزه و با نوع آثار مورد انتظار آشنا هستید؟
 - آیا تجربه، دانش عکاسی و دانش تخصصی برای دسته هایی که داوری می کنید را دارید؟
 - آیا با طرح امتیازدهی و علامت گذاری آشنا هستید و از مزایا و معایب آنها مطلع اید؟
 - آیا دانش یا مهارتی دارید که به شما در تشخیص تصاویر جعلی، سرقت ادبی یا سایر تصاویر مشکوک کمک کند؟
 - آیا می توانید دستکاری تصویر ضعیف را تشخیص دهید؟
 - آیا می توانید درجه و میزان دستکاری تصویر مورد استفاده در تصاویر را با استفاده از ابزارهای دستکاری تصویر (نرم افزارهای) اولیه ارزیابی کنید؟
 - آیا می توانید میزان تنظیم، چیدمان یا طرح یک تصویر را ارزیابی کنید؟
 - آیا در جریان امور جاری و اخبار بین المللی عکاسی هستید؟
- وی در ادامه به دوشیوه ابتکاری در امر داوری می پردازد و آن دو شیوه را به نام های:

داوری از بالا به پایین

داوری از پایین به بالا

نام گذاری و مزایا و معایب هر دو روش را نیز توضیح می دهد. یکی از مسایلی که وی عمیقاً به آن اشاره دارد استفاده از افراد متخصص در موضوع داوری است که بهتر است خودشان عکاس نباشند! مثلاً اگر یک نهاد ورزشی، مسابقه عکاسی از یک رالی اتومبیلرانی را برگزار می کند. باید یک نفر (به غیر از داوران منتخب) که تخصص و تجربه اش مسابقه اتومبیلرانی است، نیز در جمع داوران حضور داشته باشد. زیرا فقط یک راننده با تجربه مسابقه اتومبیلرانی است که می تواند در خصوص وضعیت، هدایت، و... یک ماشین در عکس نظر کارشناسانه بدهد و آن را محصول تجربه، درایت، عکس العمل سریع و دقیق راننده و سایر موارد بداند. زیر داوران عکاسی جز نگاهی تکنیکی، فنی و زیبا شناسی عکاسانه، احتمالاً هیچ اطلاعاتی در خصوص تجربه و مهارت یک راننده رالی را ندارند.

۲. فضای داوری

آنگ معتقد است که در هنگام داوری نباید داور را بطور ناگهانی با انبوهی از عکس ها روبرو ساخت. به عبارت واضح تر اینکه نباید در یک روز از داوران خواسته شود بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ عکس را داوری کنند. این امر اشتباه است. زیرا داور با مشکلاتی مانند خستگی چشم ها، کاهش حساسیت داوری به علت مشاهده مکرر عکس های شبیه به هم و ... روبرو خواهد کرد. این امر باعث ضعف داوری، سیستم امتیاز دهی و دلسردی عکاسان شرکت در مسابقه عکس، از نتایج داوری خواهد بود. وی می نویسد:

برای داوری پنج شرط در مرحله اول وجود دارد که باید رعایت و دقت شود:

- (۱) کیفیت رنگ
- (۲) شدت نور
- (۳) یکنواختی نور
- (۴) کیفیت فراگیر
- (۵) هندسه نور

ما اینها را به نوبه خود برای سه حالت مختلف مشاهده، چاپ، مانیتور و پروجکشن بررسی خواهیم کرد. او در ادامه برای داوری عکس‌ها به صورت سنتی یا چاپی و به شیوه امروزی، مانیتوری یا پخش عکس به وسیله پروجکشن نکاتی را توضیح می‌دهد.

۳. چارت یا نمودار امتیازدهی داوری

آنگ معتقد است برای هر نوع داوری، اعم از داوری عکاسی مستند، عکاسی خیابانی، عکاسی ماکروگرافی، عکاسی طبیعت و چشم انداز و ... اصول و قواعدی وجود دارد. یک داور باید بسته به نوع داوری عکاسی هر عکس را با حوصله و دقت مشاهده و بر اساس چارت و نمودار امتیاز دهی به عکس آن را قضاوت و امتیاز دهی کند. امتیازها می‌تواند مثبت و یا منفی باشد. به عنوان مثال آقا یا خانم ... برای داوری عکس طبیعت (دقت بفرمایید در مرحله نهایی انتخاب سه عکس اول و دوم و سوم از میان ۵۰ عکس نهایی) باید مواردی مانند، زیبایی عکس، قانون یک سوم، خطوط فیبوناچی، ساعت آبی و طلایی در عکس، بندینگ، کالرکورکشن و ... را بررسی و به عکس امتیاز بدهد و یا در عکاسی مستند به مواردی مثل: اصل مجاورت در عکاسی، شیب هلندی، میزان استفاده از فضای منفی، بکارگیری صحیح فضای منفی، میزان حضور مینیمال در عکس، نوع ترکیب بندی اعم از متقارن، مثلثی و مرکزی، تعلیق در عکس، تاثیر خطوط افقی، منحنی یا عمودی در عکس، شکل و فرم، عناصر دیداری در ترکیب بندی، دیفرکشن و ... را در تک تک عکس‌ها بررسی و امتیاز ۱ تا ۱۰ (مثبت و منفی) را برای آن در چارت همان عکس که با کد مورد نظر معرفی شده است، ثبت کند و در انتها سه عکس برتر را از نظر خود به هیات داوران اعلام نماید.

۴. زمان بندی در داوری

آنگ معتقد است که داوران در هر یک ساعت قضاوت عکس باید حدود بیست دقیقه به استراحت (اجباری) بپردازند. به عبارت دیگر باید چشمشان تمرین دگر بینی را انجام بدهند. چیزهایی ببینند به غیر از عکس‌های مربوط به مسابقه، روزنامه یا کتابی را ورق بزنند. به صرف چای یا قهوه بپردازند و مجدداً با روحیه‌ای تازه و جدید به امر داوری بپردازند. این مساله متأسفانه نه تنها در کشور ما رعایت نمی‌شود بلکه بسیار از داوری‌ها در حالت فشرده و چند ساعته برگزار می‌شود که نتیجه آن خستگی ذهنی و چشمی داور بعد از یک یا دو ساعت

بی‌وقفه، کم حوصله‌گی در امر ادامه داوری، خطای چشم در دیدن عکس‌های بعدی بخاطر امر تکرار و تکرار عکس‌هایی که می‌بینید، آن هم با یک موضوع خاص و در نتیجه نارضایتی عکاسان از نتیجه امر داوری را به دنبال خواهد داشت.

۵. لیست سیاه!

تقلب در عکاسی امری بسیار شایع و غیر قابل انکار است. آنگ معتقد است که داوران نباید در این خصوص جانب احتیاط را پیش بگیرند. بلکه باید بدون هیچگونه (تعارفی) عکاس متقلب را متنبه کنند. روش شایسته برای پی بردن به اینکه آیا این عکس اصل هست یا نه این است که یک هفته قبل از اعلام نهایی برندگان به فرد یا افراد بصورت نامه الکترونیکی اعلام شود که اصل عکس را با فرمت RAW ارسال کنند. بدیهی است که عکاس حرفه‌ای کسی است که با این نوع فرمت عکاسی می‌کند. در موارد استثنا نسخه JPEG عکس را باید دریافت کرد و داور باید بررسی کند که آیا عکس نسخه اصلی همانی است که عکاس نسخه کم حجم تر آن را برای مسابقه فرستاده

و مورد داوری قرار گرفته یا خیر؟ آیا در عکس المانی خارج از موضوع به داخل عکس آورده شده است یا نه؟ در صورتی که عکس اصلی با نسخه ارسالی مغایرت داشته باشد، داور موضوع را با دلایل و مستندات به شورای داوری ارجاع داده، و پس از اثبات، نام و نام خانوادگی فرد شرکت کننده برای همیشه در لیست سیاه قرار می گیرد. این مساله به خود عکاس هم به صورت محترمانه و پنهانی منعکس می گردد. اگر توضیحات عکاس قانع کننده بود، عکس به بخش اعلام نتایج نهایی منعکس و اگر بی فایده بود، برای همیشه آن عکاس حق شرکت در مسابقات این نهاد را ندارد. فایده این کار متنبه کرده عکاس از دانش داوران، شرایط و سلامت برگزاری داوری و ... برای نهاد برگزار کننده است. خوشبختانه این نوع سخت گیری ها باعث شده است که جشنواره هایی مثل جشنواره مسابقات عکاسی سونی، جشنواره مسابقات عکاسی مینیمالیسم، فاین آرت، و ... به اعتباری بین المللی برسند.

۶. جمع بندی نهایی

ما از خیلی جهات، از خیلی از کشورها در امر داوری عکاسی غافل هستیم، داوری عکاسی را امری سهل انگاری تلقی می کنیم، شیوه داوری در کشور ما همچنان سنتی و بر اساس سفارش از بالا یا مقام برگزار کننده است، اگر همچنان داوری های ما پر از حاشیه های متفاوت و مساله ساز است، معلول امر " نا آگاهی و عدم مرجعی تایید شده از اصول داوری " است. ما فکر می کنیم که می دانیم، فکر می کنیم اگر در رزومه خود برنده چندین جایزه هستیم، پس قضاوت ما صحیح است. این بزرگترین اشکال ما است.

رنه دکارت جمله معروفی دارد که تقریباً به این شکل رواج پیدا کرده است. "من فکر می کنم، پس من هستم." و به این صورت اساس فکری اولین اصل دکارت در فلسفه اش پی ریزی شد. با توجه به این مثال ساده متأسفانه اغلب عکاسان ما دچار نوعی خود باوری کاذب شده اند. "من عکس می گیرم، پس من عکاس هستم." این بزرگترین اشتباهی است که یک عکاس در حق خود و دیگران می کند. آنچه شایسته است که باعث دگرگونی عمیقی در نحوه داوری سنتی در ایران، به سمت یک داوری دانشگاهی و آکادمیک برود، ابداع یک مرجع متشکل از معلمان و استادانی است که در این زمینه حرکتی را آغاز کنند. ما هیچ اساسنامه ای در خصوص امر داوری نداریم. بسیاری از داوران ما (تاکید و بسیار با احترام عرض می کنم نه همه عزیزان داور!) بر اساس سلیقه شخصی، نگاه ضمنی، سفارش های گوشه و کنار، ترجم به هنرآموزن خودشان و دخالت احساسات برای قبولی عکس های هنرآموزان آشنا و ... ده ها موارد دیگر بر مسند قضاوت می نشینند. صد در صد داوری ها در سطح یک استان با تکیه بر داوران و معلمان همان استان است. من هرگز مسابقه داوری در استان خودم (گیلان) را ندیده ام که داوران محترم آن از استان های دیگر انتخاب شده باشند! در ظاهر همه این را امری ناپسند می دانند. " مگر در شهر ما داور نداریم که از شهر دیگر داور انتخاب کرده اید؟؟؟" اما اگر یکبار اینکار را انجام دهیم. هم سلامت کار خودمان را تضمین کرده ایم و هم سایر شهرها از تجربه داوران شهر ما بهره می برند!

امیدوارم روزی برسد که همچون شرکت یک نفر برای گرفتن گواهی نامه رانندگی که مستلزم گذراندن دوره های تئوری کتاب آیین نامه، خوانش و فهم تابلوها و علائم رانندگی و دوره های عملی خود امر رانندگی است، مرجعی برای داوری در ایران به زیور طبع برسد تا حداقل تلنگری برای آن دوست بزرگواری باشد که به نام داور با دستاورد هنری یک عکاس یعنی عکس او، قضاوت می کند. رای داور تضمینی برای سلامت امر داوری، شایسته سالاری فرد برگزیده و رضایت خاطر سایر شرکت کنندگان است. افسوس که...!

حسین خائف

مستند ساز - هنرمند عکاس

مجری طرح ده ساله دانشنامه کتاب عکاسی " طبیعت زیبای گیلان "



@Hossein_khaef

یک پیرنگ برجسته عکاسی

زخم های ناپیدا

شایان حاجی نجف



@shayan.hajinajaf

شایان حاجی نجف، زاده سال ۱۳۷۲ در شهر اهواز است. او که کارشناسی ارشد مکانیک دارد، هم اکنون به عکاسی و خبرنگاری در خوزستان ایستاده به شکل چیره دستانه می پردازد. حاجی نجف عکاسی را از سال ۱۳۹۲ آغاز کرد و بسیار زود توانست در این زمینه به کامیابی برسد؛ همچون به دست آوردن دو سپاسنامه عکس سال یونیسیف آلمان در سال های ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲، رده نخست جشنواره جهانی عکاسی خبری لیتوانی (VILNIUS Photo Circle) در سال ۲۰۲۲، سپاسنامه دو سالانه عکس مستند هنری بلغارستان (PHODAR) در سال ۲۰۲۱ و تندیس جشنواره عکس مستند سال ایران در سال ۱۴۰۱.

او درباره کار و کوشش های خود در عکاسی، چنین می گوید:

در پیرنگ های (پروژه های) عکاسی که در درازای سال های واپسین پدید آورده ام، بیشتر نگاهم به چگونگی زیست در خوزستان و روند زندگی در این استان، پیرامون رویداد جنگ و سازش پس از آن بوده است، چرا که در آنجا، یا اینکه سال های بسیاری از جنگ گذشته است، ولی این رویداد همچنان در زندگی هرروزه مردم دنباله دارد و نشانه های آن را به روشنی و یا در لایه های پنهان زندگی بسیاری از خانواده ها و شهروندان می شود یافت؛ همین جستار چرایی آن شده تا در پیرنگ های عکاسی ام، یک راست یا ناراسته به آن بپردازم.

یکی دیگر از نکته هایی که نقش بسیار پررنگی در پیرنگ های من داشته و خواهد داشت، کودکان یا همان دودمان آینده ایران و جهان هستند و از این رو، کوشش کرده ام تا برجستگی این گروه زاده شدگان که به دست گیرندگان آینده به جا مانده ها و یادگارهای همبودگاه های آدمیان هستند، پررنگ تر بازتاب داده شده و با عکس و نگاره های گوناگون، جایگاه ارزشمند آنها در این گوی خاکی را بنمایانم.



همه زخم‌ها در نگاه نخست نمایان نمی‌شوند. جنگ، همچون یک پدیده بیم‌انگیز همراه با ماندگاری‌هایی پایدار در زندگی آدمیان به ویژه برای مردمانی که یک راست و بی‌میانجی، درگیر آن بوده‌اند، زخم‌های ژرفی بر پیکر و درون آنها به جا می‌گذارد و به دنبالش قربانیان بسیاری در میان آنها دیده خواهد شد. کشته‌شدگان و یا زخمی‌ها و آنها که تیر و ترکش خورده‌اند، تنها قربانیان جنگ نیستند، وانگه که رخ می‌دهد که آدمی تیر و ترکش نخورده هم، برای جنگی جانش را از دست می‌دهد. آشفتگی‌های روانی و پریشانی‌های رفتاری از آنگونه پیامدهایی هست که جنگ با خود به ارمغان می‌آورد و دستاورد آن بر روی قربانیان گونه‌ای از گوشه‌نشینی، سردرگمی، سرخوردگی، ترس و ده‌ها پدیده ناسازگار دیگر است. بسیاری از این قربانیان، سال‌های درازی از زندگی خود را در تنهایی و یا در بیمارستان‌های روانی سپری می‌کنند. بر پایه پژوهش‌های انجام‌شده، از هر ۴ سربازی که زنده از جنگ باز می‌گردد، یکی با نشانه‌های آشفتگی سهمگین دست و پنجه نرم می‌کند. زندگی این آدم‌ها در پشت درهای بسته چهاردیواری‌های بیمارستان‌های روانی، گواهی بر زخم‌های پنهان پدیده جنگ است. آنها در میان این درها و دیوارها ناچار خواهند بود با همه داستان‌های سراسر آکنده از دل‌باختگی‌ها، خشم‌ها، بی‌زاری‌ها، دلاوری‌ها و ترس‌های خود تنها بمانند.

بر پایه یک گزارش، هم‌اکنون بیش از ۲۰۰ هزار بازمانده جنگ که با پریشانی‌های روانی روبرو هستند و از همیاری‌هایی چون، روان‌درمانی و یا دارو درمانی بهره می‌برند، در کشور ایران زندگی می‌کنند و در میان آنها، کم‌یا بیشتر از ۴۰ هزار نفر، در بیمارستان‌ها و یا آسایشگاه‌های روانی بستری هستند.



بیمارستان عصب و روان درمانی بوستان در شهر اهواز برای شناسایی، درمان، توانبخشی و سازماندهی چگونگی زندگی جانبازان جنگی راه اندازی شده است. این بیمارستان دارای دسته پزشکان، پرستاران، کارشناسان و کارکنان به همراه ۱۲۵ تخت، برای یاری رسانی به قربانیان جنگ ایران و عراق است.



نگارگری یکی از جانبازان جنگی در ایران.

بسیاری از جانبازان توان به فراموش سپردن آنچه در جنگ بر آنها گذشته است را ندارند و همیشه رویدادهای سخت آن، در یادشان و در برابر چشمانشان پدیدار می شود.



جانبا زانی که از دشواری های عصبی و روانی رنج می برند، کمتر برایشان پیش می آید که بتوانند در میان مردم باشند و با آنها نشست و برخاست کنند. همین چالش پدید آورنده گرفتاری های دیگری همچون دوری از خانواده و تنهایی فزاینده آنها است.



آنها چیزهای کمی در زندگی دارند، چرا که زمان بیشتری از زندگی خود را در بیمارستان ها می گذرانند.



روش های گوناگونی برای بهبود دردهای جسمی و روانی جانبازان بکار گرفته می شود. یکی از این روش ها، سرگرم شدن آنها با نگارگری و یا تندیس سازی است.



آنها ناچار هستند تا پیوسته داروهای بسیار زیادی را بکار بگیرند. پرستاران در بیمارستان این داروها را در زمان های سازماندهی به آنها می دهند.



گوشه گیری، سرخوردگی، سردرگمی و ترس و آشفتگی های روانی دیگر از نشانه های همراه با اینگونه قربانیان جنگ است. گاهی، هیچ راهکار و درمانی برای پایان دادن به این بیماری های روانی یافت نمی شود و تنها، روان درمانی پیوسته و دارو، تا اندازه ای از سختی آنها می کاهد.



راهکارهای روانشناختی و کار درمانی و سرگرمی های سودبخش در کنار داروهایی که برای جانبازان جنگی بکار برده می شود، می تواند در روند بهبود آنها و نیز کاهش ناهنجاری های برآمده از بکارگیری دارو در تن، کارایی داشته باشد.



وسواس ناخواسته یکی از برجسته ترین آشفتگی های روانی جانبازان است که اندیشه ها و پنداشت های ناگوار و تکانه های پیوسته ای را در تن و روان آنها پدید می آورد. این نشانه ها، مایه رنجش و پریشانی آنها می شود. آنها ناچار هستند برای مبارزه با این نشانه ها، اندیشه های ذهنی گوارا و مثبت را به گونه ای پیوسته در یاد خود بازگو کنند.



تا به امروز، درمانی فرجامین برای اینگونه بیماری های روانی به دست نیآمده است و تنها راهکار شدنی برای آن، برخورد درست و خوب-سامان با آن است.



نابهنجاری های پیرامون این بیماران، بکارگیری سامانه دیده بانی همیشگی را نیازین کرده است.



برخی جانبازان جنگی چنان درگیر آشفته‌گی های بیماریشان هستند که یکسره از مردم و چه بسا خانواده خود جدا شده اند و بیمارستان و آسایشگاه روانی خانه همیشگی آنها شده است.



آنها هر روز برای کوشندگی تن، ورزش و بهبودی و تندرستی فزون تر، به یاری پرستاران به جایگاه های باز و بیرونی برده می شوند.





آنها باید در زمان های گزینش شده و بر پایه برنامه پیشنهادی پزشکان، خوراک خود را دریافت کنند.



بسیاری از این بیماران تا پایان زندگی خود، در همان آسایشگاه ها و بیمارستان ها و دور از خانه، خانواده و دیگر مردمان می مانند و از دنیا می روند.



مرز خسروی، بازگشت نخستین گروه از اسیرشدگان جنگ. در این عکس، دو عکاس چیره دست: سیف اله صمدیان و جاسم غضبانپور دیده می شوند. عکاس این عکس اسماعیل داوری است.

برگرفته از تارکده اینستاگرامی جاسم غضبانپور

گزارش عکس ویژه ماهنامه انسل

هنگامی که جهان در دبی پایکوبی می کند

این گزارش عکس در ۱۳۹۲ خورشیدی در رسانه دویچه وله آلمان بازتاب داده شده است.





مردم با تبار، تیره و نژاد های گوناگون در کنار هم در کشور چین زندگی می کنند.



هم زمان با پایکوبی یک گروه هنری آفریقایی، عکس هایی از زیستگاه و فرهنگ آن سرزمین ها نیز در پشت سر آنها نشان داده می شود.



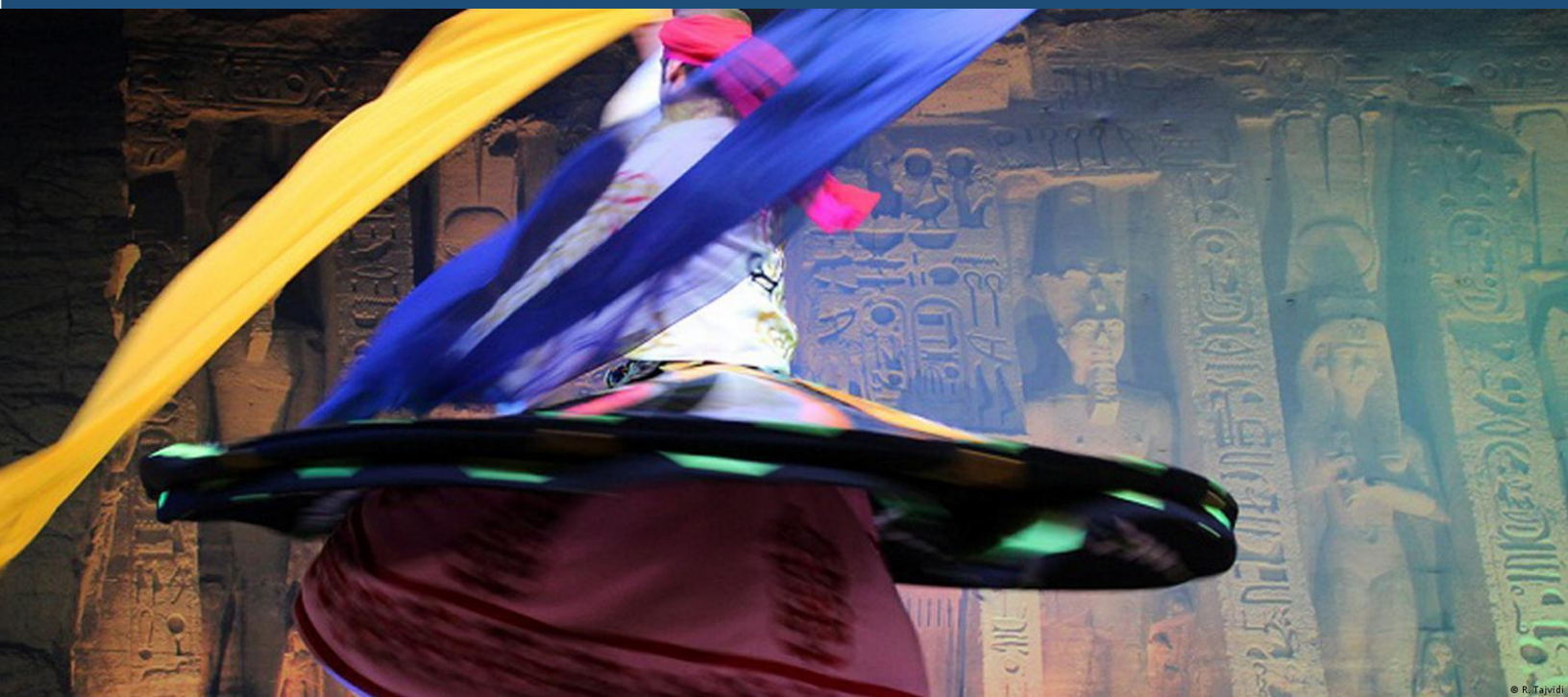
سازهای کوبه ای و جامه هایی با الگوها و رنگ های تند و روشن با فرهنگ مردم در آفریقا پیوند دارد.



هندی ها از مردمانی هستند که در کشور امارات پیشینه ای بسیار دراز دارند و این پیشینه به زمان فرمانروایی انگلیس بر هند و خاورمیانه باز می گردد.



رامشگر مصری در برابر نمادهایی دیرینه از مصر هنرنمایی می کند.



جوانان مصری کوشش داشتند تا در همبودگاه خود دگرگونی بنیادین پدید آورند.



هنرمندی از آمریکای لاتین در مقابل نگاره ای از خیابان های بولیوی

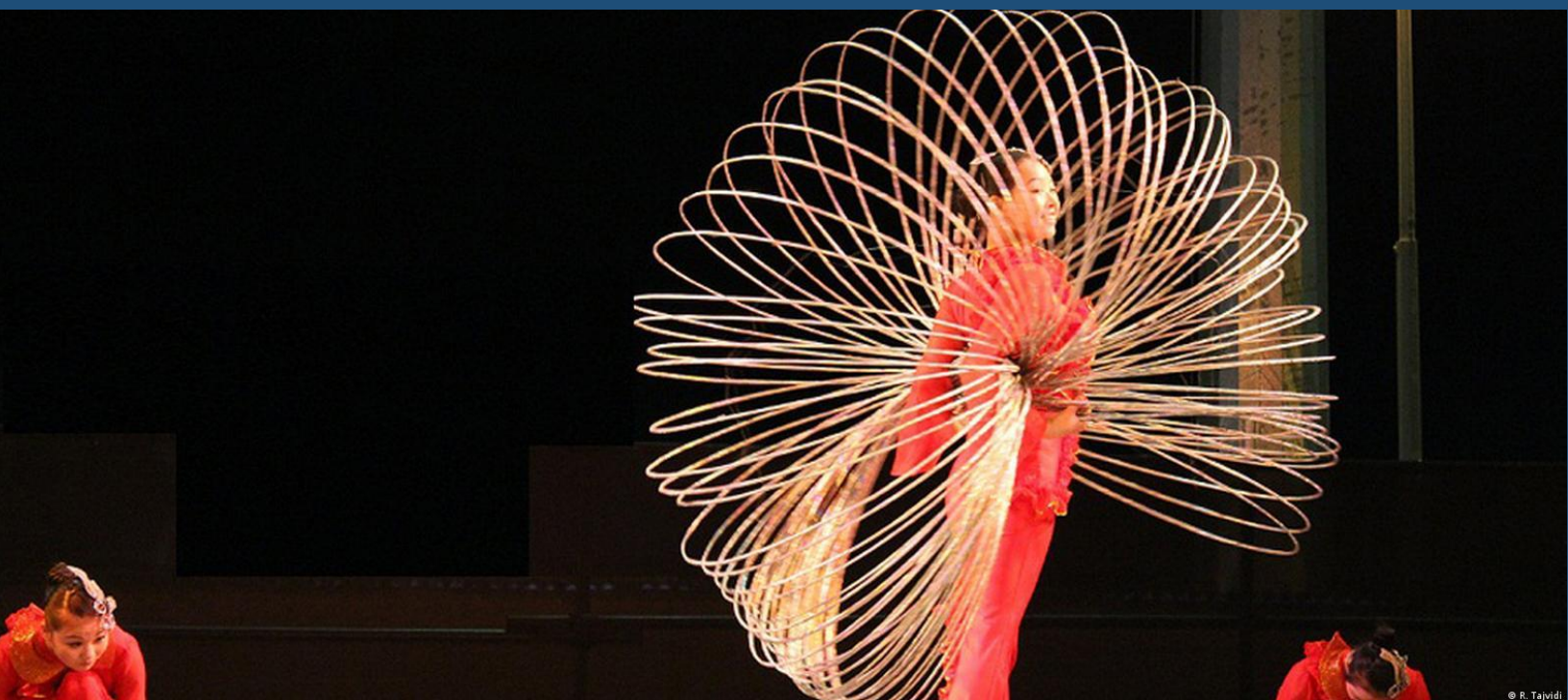


رامشگران بولیویایی با جامه های بومی بر تن



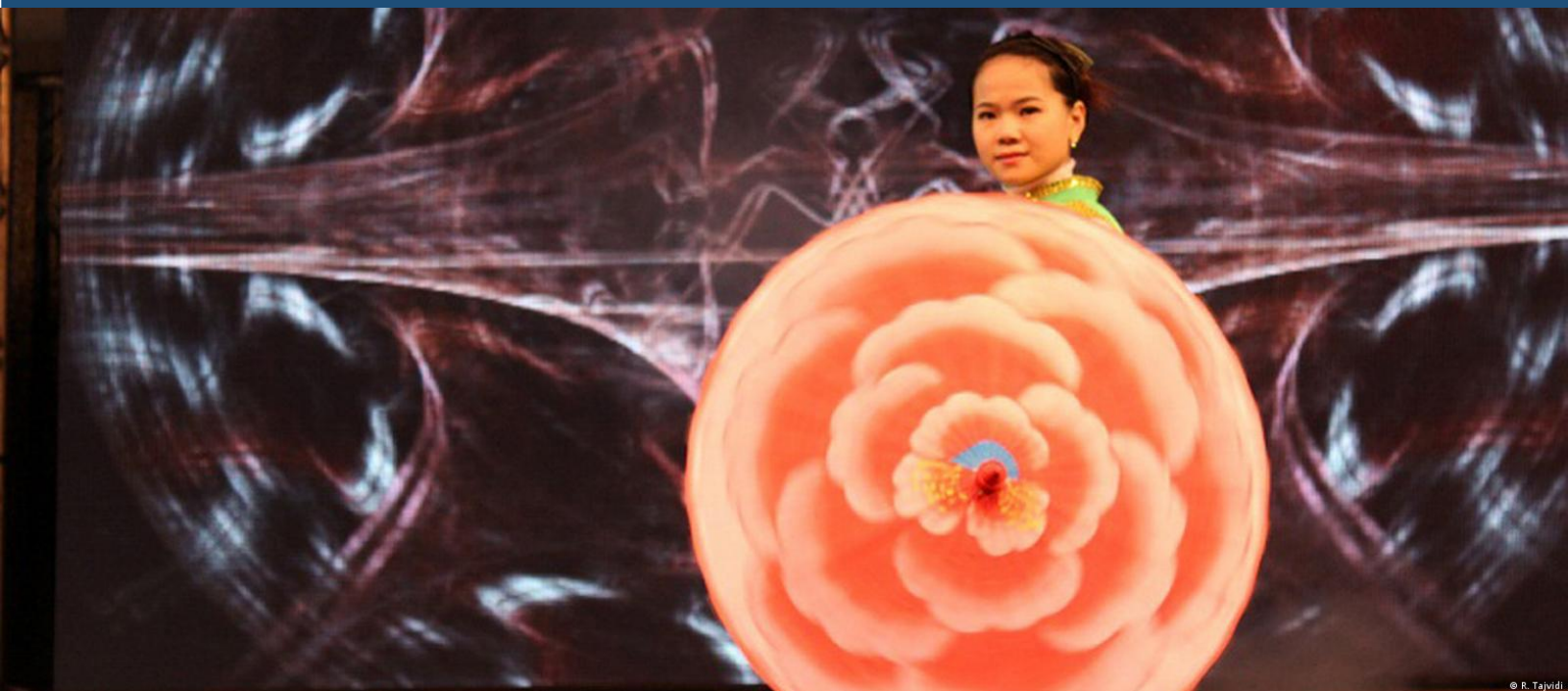
© R. Tajvidi

بندبازان چینی در جهان نامدار هستند.



© R. Tajvidi

عکس، توانایی آن را دارد تا ریزه کاری های نمایش را بهتر به بیننده نشان دهد.



© R. Tajvidi

لوتوس یا همان گل نیلوفر در فرهنگ چینی نمادی از پاکی، آرامش و آشتی است.

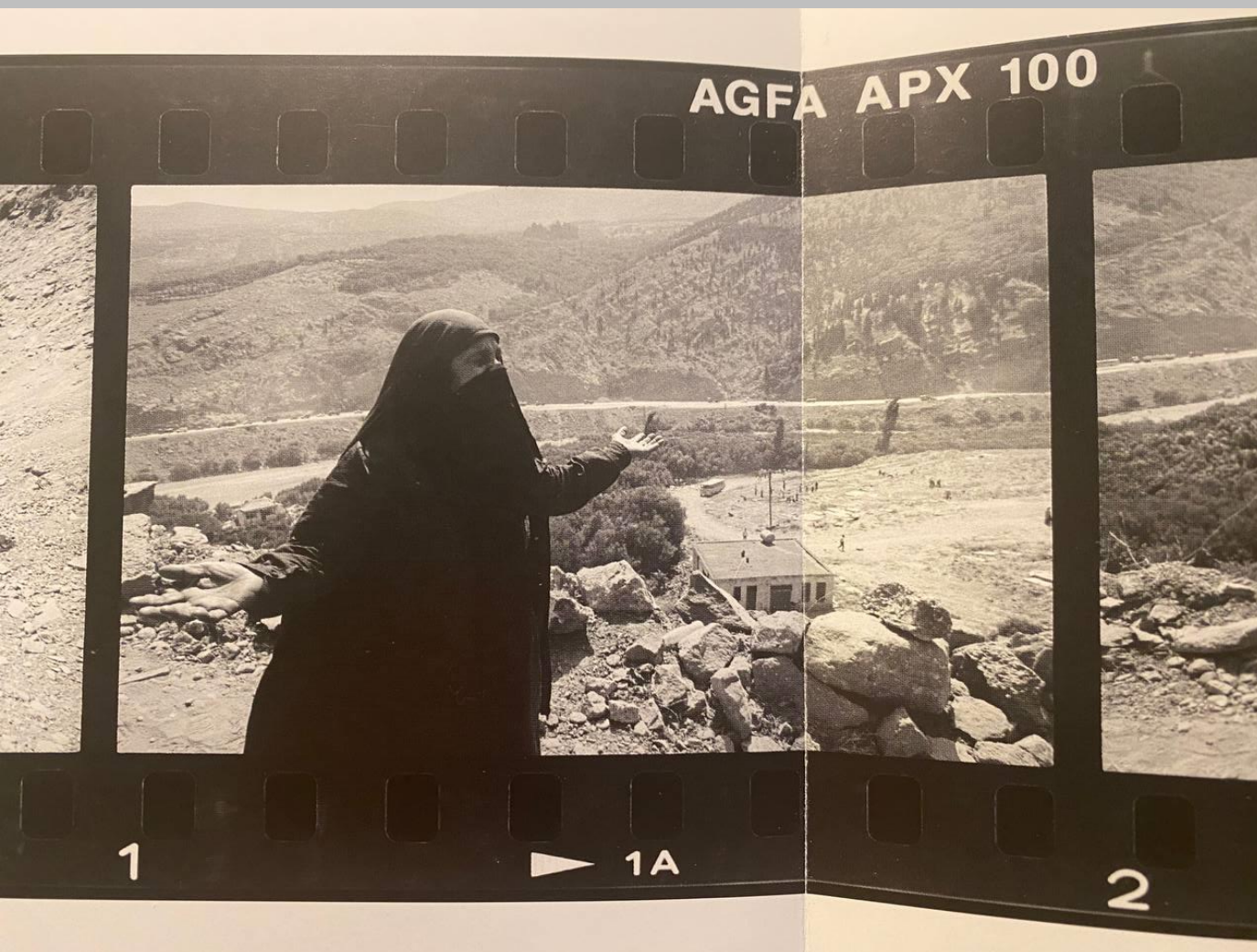


© R. Tajvidi

برگزاری چنین جشنواره های فرهنگی مایه آشنایی، دوستی و نزدیکی بیشتر مردم جهان با همدیگر می شوند.

یک کتاب عکس و گزاره ای بر آن

جاسم غضبانیور، زندگی و دیگر هیچ



به یاد شیرزنان خرمشهری، جاسم غضبانیور، از کتاب: زندگی و دیگر هیچ

زندگی و دیگر هیچ، نام کتاب عکسی از جاسم غضبانیور است که تا اندازه زیادی از سایر کارهای به چاپ رسیده او جدا است. او با عکس های گردآمده در این کتاب، از تجربه دیگر خود در عکاسی و این بار، عکاسی فیلم، رونمایی می کند. این سوا بودن، در آرایش و چیدمان عکس ها هم دیده می شود که به گونه برش های فیلم، چهارچوب بندی شده اند و ژانر عکاسی فیلم را برای بیننده برجسته تر می کنند. ولی به راستی کتاب زندگی و دیگر هیچ سرتاسر عکس های پشت نمای فیلمی با همین نام از کیارستمی است؟!

هر چند که عباس کیارستمی در جایگاه کارگردان، مهمترین سوژه بیشتر عکس ها و در هسته دیده شدن قرار دارد، ولی یکی از ویژگی های این کتاب آن است که به ناگاه با عکس هایی روبرو می شویم که دیگر نه در ژانر عکاسی فیلم قرار می گیرند و نه پشت نمای فیلم را نشان می دهند و نه اینکه دست اندرکاران ساخت فیلم سوژه عکس شده اند؛ بلکه نماها یا آدم هایی در عکس دیده می شوند که تنها هموندی آنها با فیلم زندگی و دیگر هیچ، یکی بودن زیستگاه و نیز رویداد ناگواری است که در آنجا رخ داده است.

غضبانپور این عکس ها را یا در همان روزهای نخست زمین لرزه بزرگ رودبار و منجیل در سال ۱۳۶۹ خورشیدی گرفته است و یا در درازای کار بر روی پشت نمای فیلم زندگی و دیگر هیچ و در کنار آن، با دوربین دومی که داشته، آنها را نخست برای دل خودش عکاسی کرده است. در میان آنها و در همان برگ های نخستین کتاب، یک زنجیره به هم پیوسته از ۷ عکس که زنی عرب تبار ایرانی و از بومیان جنگ زده و خانه رهای خرمشهر را نشان می دهد، بسیار درنگ کردنی و ویژه است.

غضبانپور درباره این انبوهه عکس چنین می گوید:

"روز دوم زلزله در قبرستان رودبار عکاسی می کردم که دیدمش. از دور با یک عبا و شی له (روسری عربی)، خاک آلود و گیج، از جاده قبرستان بالا می آمد. از همان دور شروع کردم به عکاسی از او. مات و مبهوت بود، اشکی نداشت که بریزد، سر صحبت را با او باز کردم. به عربی گفتم: اهل کجایی؟

گفت: خرمشهر

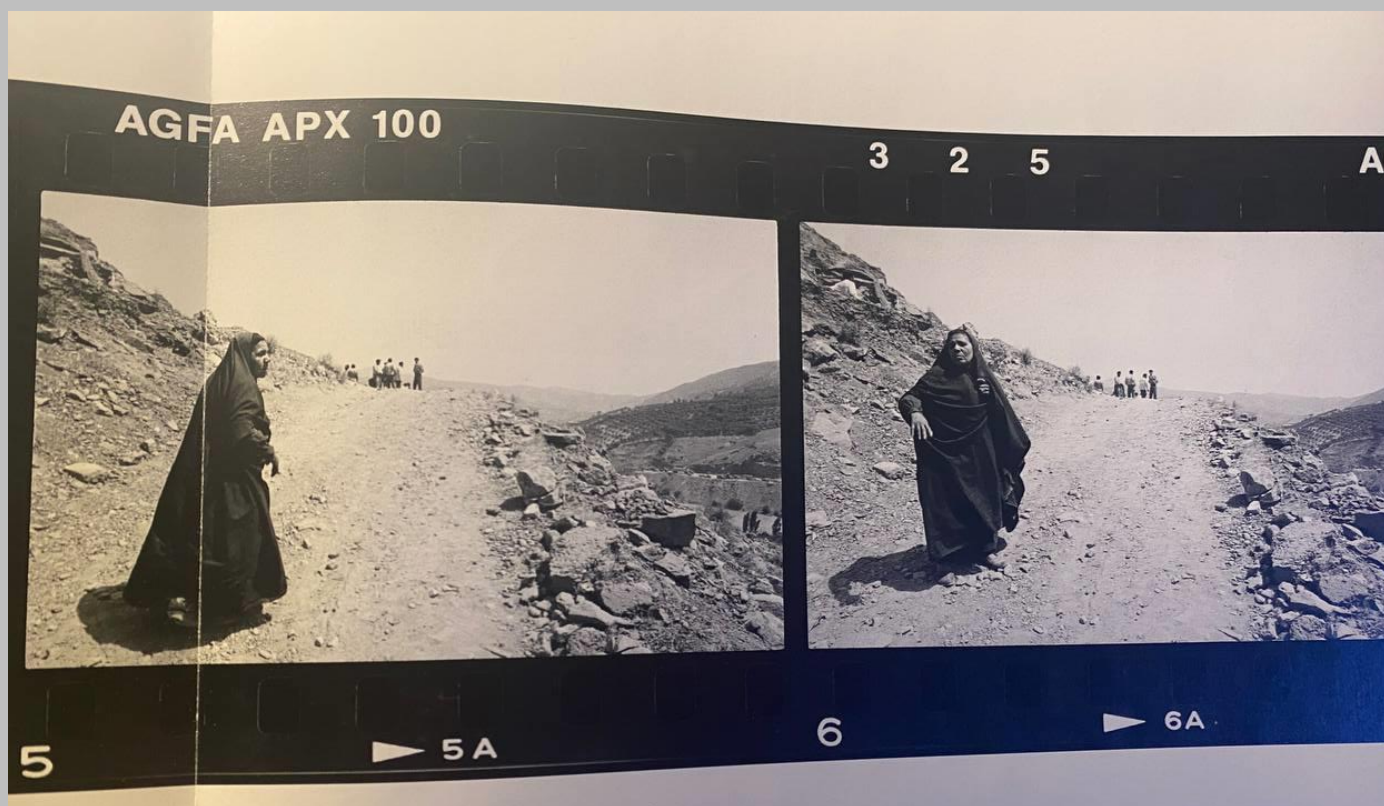
- اینجا چه می کنی؟

نگذاشت حرفم تمام شود، گفت: شوهر و پسر را خاک کردم.

شوکه شده بودم، گفتم: چی؟

- اول جنگ که جنگ زده شده بودیم، شوهرم فلانی ... می شناختیش؟ از آدمهای متمول خرمشهر بود، گفت حالا که همه جیزمان را توی جنگ از دست داده ایم، برویم جایی که کسی ما را نشناسد و از نو شروع کنیم. برای همین آمدم توی آن روستای آن طرفی که چند خانواده بیشتر داخلش زندگی نمی کردند و زندگیمان را از نو شروع کردیم. درست ده سال است که اینجا هستیم، جنگ زده، حالا که جنگ تمام شده، خواستیم برگردیم خرمشهر، ولی دو شب پیش زلزله آمد، حالا زلزله زده هم هستم و بدون آنها باید اینجا را ترک کنم و به خرمشهر برگردم. همانطور که حرف می زد در سربالایی جاده از من دور شد

رضا تجویدی خرداد ۱۴۰۳



داستان یک عکس



عکسی نمای باز از بنای فرهنگی کاسکاد در شهر ایروان، ارمنستان برگزیده هیپا در بخش: بناهای فرهنگی، ۱۳۹۷ خورشیدی، رضا تجویدی

ماه پایانی از موسم تابستان سال ۱۳۹۷ خورشیدی بود که برای ساخت یک فیلم مستند به کشور ارمنستان رفتم. در این فیلم که نام آن را "قطعه ای از سیاره" گذاشتم، داستان کودکی را دنبال کردم که پا به سرزمینی بیگانه می گذارد و در درازای رهنوردی هایش، به شهر و روستاهایی در ارمنستان می رود و از جاهای گوناگونی در آنجا، همچون نیايشگاه های کوهستانی دیدن می کند و به همان سان، آدم هایی را می بیند که توی راهش با آنها برخورد پیدا کرده است. او، در این میان، چیزهای بسیاری می آموزد و با پاره کوچکی از این گوی خاکی و باشندگانش آشناتر می شود.

برای ساخت این فیلم، بسیار دست تنها و کم ابزار بودم. با همان دوربینی که با آن فیلمبرداری را انجام می دادم، عکاسی می کردم. درست مانند همین عکس که برآمده از درنگ کوتاهی است میان فیلمبردای یک پلان تا پلان دیگر و پیش آمدن زمانی برای عکاسی.

از این دست عکس ها در میان فیلم برداری کردن هایم زیاد گرفته بودم. اینجا، آغاز بالا رفتن از سازه هزار پله یا همان کاسکاد در دل شهر ساده، ولی پیراسته و آرام ایروان است. سازه ای که هم با پله های بسیارش، بخش شمالی را به هسته دیرینه شهر پیوند می دهد و هم با گرد آوردن تندیس ها و کارهای برجسته و گوناگون هنری در درون خودش، کاکردی نمادین برای فرهنگ و هنر کشور ارمنستان پیدا کرده است.

همان سال بر آن شدم تا این عکس را به همآوردی عکاسی هیپا و برای بخش عکاسی از سازه های فرهنگی بفرستم. خوشبختانه، در ادامه همآوردی و پس از راه یافتن به گامه های بالاتر، سرانجام این عکس به فرجامین گامه همآوردی رسید.

بخش سینما و عکس

عکس های کمتر دیده شده از محمد رسولوف (در کنار جمال رحمتی)





فراخور درگذشت بانو زری خوشکام



زری خوشکام در پیشگاه فیلم "کلبه ای آنسوی رودخانه" به نویسندگی و کارگردانی احمد شیرازی

دو عکس از چشم اندازهای جنوب ایران

عکس ها: حیدر جامعی و وحید قربانی فر از پیرنگ صدای عکس



داستان و عکس (قسمت چهاردهم - پایانی) (بدون پارسی سازی)

ماجراهای زندگی پر رمز و راز گربه های خیابانی دبی

نوشته: بشایر عارف

ترجمه : رضا تجویدی



در دبی، جایی که معروف است یک شبه از دل صحرا، سر برآورده است، دنیایی پر از قصه و ماجرا از گربه هایی وجود دارد که بیشترشان از نژادی محلی، معروف به میوی عربی هستند؛ و حالا وقتش است که با هم، چیزهای بیشتری درباره زندگی این گربه های محلی بدانیم. میوه های عربی، از قدیم ساکن این سرزمین بوده اند. حتی خیلی قبل تر از اینکه سر و کله آدمها اینجا پیدا شود. از وقتی که دبی تنها زمینی پوشیده از شن و ماسه بود، آنها همینجا بوده اند. سالها بعد، آدمها به این منطقه هجوم آوردند ولی گربه ها با وجود اشغال قلمروشان، دبی را ترک نکردند؛ بلکه سعی کردند خودشان را با شرایط جدید وفق دهند.

قسمت چهاردهم (پایانی)

دم سیاه گفت: چقدر طول می کشه؟

دم جنبان ایستاد تا نگاهی به دم سیاه بیاندازد. مصمم بود که هر طوری شده تیزچنگال را پیدا کند. هیچ ایده ای نداشت که برای این کار، چند ساعت یا چند روز باید کوچه به کوچه دنبالش بگردند. مدتی طولانی بود که هیچ غذایی نخورده بودند. می خواست بدون وقفه به راهش ادامه دهد، ولی می دانست که این کار در توان دم سیاه نیست و او به استراحت نیاز دارد. دم جنبان روی زمین نشست و گفت: برای مدتی همینجا استراحت می کنیم.

دم سیاه شروع به لیس زدن دست هایش کرد. برای مدت زیادی هیچ حرفی با هم نزنده بودند.

- ممکنه دوباره تیزچنگال رو ببینیم؟

دم جنبان آهی بلند کشید. نمی توانست حتی فکرش را بکند که ممکن است دیگر تیزچنگال را نبینند. هیچ ایده ای نداشت که آن دو چطور می توانستند بدون تیزچنگال به زندگی ادامه دهند. دم جنبان گفت: امیدوارم، از ته دل امیدوارم اونو دوباره ببینیم.

دم سیاه با غم زیادی میو میو کرد.

دم جنبان نگاهش کرد و گفت: چطوره یکم بخوابیم؟

دم سیاه خمیازه ای کشید و گفت: موافقم.

و اندکی بعد او در خواب عمیقی فرو رفت.

دم جنبان چشمهایش را روی هم گذاشت و در فکر فرو رفت. بدون تیزچنگال زندگی آنها چطور می توانست باشد؟ او تکیه گاه اصلی گروه سه نفره آنها بود. او همواره برای زندگی آنها هدف و مسیر را مشخص می کرد. بدون وجود او، قطعاً همه چیز از هم می پاشید. دوباره آه بلندی کشید. بیشتر از این نمی توانست به این وضعیت فکر کند. او در خواب عمیقی بود وقتی که صدای بلند ترمز ماشین قاتل او را از خواب پراند. آن وقت بود که به سمت صدا رفت و او را دید.

ماشین قاتل با چراغ های چشمک زن درست داشت به سمت او می رفت و او همانطور وسط جاده، مثل مجسمه خشکش زده بود.

دم جنبان تا جایی که در توانش بود فریاد زد: . تیزی!

به سمت جاده دوید، خودش را به تیزچنگال کوید و هر دو به سمت پیاده رو پرتاب شدند.

دم جنبان با عصبانیت داد زد: معلوم هست حواست کجاست؟

تیزچنگال همینطور هاج و واج به او خیره مانده بود.

تیزچنگال گفت: دم جنبان، تو جون منو نجات دادی!

دم جنبان که از شدت ترس و اضطرابی که پشت سر گذاشته بود هنوز داشت نفس نفس می زد، در همان حال به چشم های تیزچنگال خیره شد و گفت: تو پاک عقلت رو از دست دادی.

تیزچنگال نگاهی که پر از حس افتخار و قدردانی بود گفت: تو جون خودتو برای نجات من به خطر انداختی! آه دم جنبان، من چقدر درباره تو اشتباه فکر می کردم. تو یک گربه ترسو نیستی. در اصل تو شجاع ترین عضو گروه ما هستی.

دم جنبان گفت: معلوم هست کجا رفته بودی؟

تیزچنگال نگاهش را دزدید و گفت: همش تقصیر منه که اون اتفاق برای تیزدندان افتاد.

دم جنبان مستقیم توی چشمهای او نگاه کرد و گفت: ببین! تو با قلب مهربون و بزرگ خودت اونو بخشیدی! کاری کردی که دوستای جدیدی پیدا کنه! همه جوره و بی دریغ کمکش کردی.

تیزچنگال در حالی که اشک توی چشمهایش حلقه زده بود گفت: ولی آدمها با خودشون بردنش. دیگه هیچوقت اونو نمی بینیم.

دم جنبان آهسته دستش را روی شانه او گذاشت و گفت: آدم هایی که اونو با خودشون بردن، آدم های مهربونی بودن. حتما ازش مراقبت می کنن و او تو خونه جدید امن و امانه. قطعا اینبار دیگه رفتار تیزدندان با گربه های خیابونی فرق می کنه و دیگه هیچوقت بهشون حمله نمی کنه.

بعد مکثی کرد و گفت: امیدوارم که اینطور باشه.

دم سیاه هم به جمع آنها اضافه شد و گفت: و تو هنوز ما رو در کنار خودت داری تیزچنگال. لطفا دیگه هیچوقت ما رو ترک نکن، ما بهت نیاز داریم.

تیزچنگال شروع به گریه کردن کرد، ولی اینبار اشک های شوق و خوشحالی بود که از چشمهایش سرازیر می شد.

تیزچنگال در همان حال گفت: خیلی دوستتون دارم! بدون شماها من چکار می تونم بکنم؟

دم جنبان گفت: ما بدون تو نمی تونستیم زنده بمونیم.

تیزچنگال لبخندی زد. او توان این را داشت که به تنهایی از عهده زندگی اش بر بیاید. به اندازه کافی نیرومند و شجاع بود. او میان هر سه آنها جنگجو ترین بود. سرگروه بود و قدرت رهبری داشت. ولی چیزی که از همه اینها مهمتر بود دوستی بود. رفاقت و صمیمیتی که با آن در کنار هم بزرگ شده بودند. آنها برایش مثل اعضای خانواده اش می ماندند؛ تنها کسانی که او توی زندگی داشت.

تیزچنگال خیلی جدی و با اعتماد به نفس به دوستانش نگاه کرد و گفت: همه چی درست میشه!

دم جنبان لبخندی زد و گفت: مطمئنم همینطور میشه.

دم سیاه خخری کرد و گفت: من هم همینطور فکر می کنم.

بعد هر سه به دنبال هم راه افتادند و رفتند تا ماجراهای ناتمام زندگیشان را دنبال کنند. اینبار تیزچنگال گذاشت تا دم جنبان جلوتر از همه راه برود و رهبر گروه باشد.

پایان داستان





درباره پدید آمدن داستان زندگی پر رمز و راز گربه های خیابانی شهر دبی

باور کنید یا نه، من اصلا از هیچ گربه ای خوشم نمی آمد. ولی داستان بر می گردد به سالها پیش، وقتی که همراه خواهرم یک گربه سیاه عربی را نجات دادیم و اسم عربی "سالم" را رویش گذاشتیم. سالم، آنقدر ناز و با نمک بود که من بکلی عاشق گربه ها شدم.

شخصیت دم سیاه در داستان الهام گرفته از همین گربه است.

وقتی سالم را نجات می دادیم، متوجه شدم که آدم های مهربان زیادی هستند که خودشان را وقف پناه دادن و محافظت از گربه های خانگی آواره ای مثل تیزدندان می کنند. اگر فکر می کنید که می توانید یک گربه آواره را به سرپرستی بگیرید، می توانید به یکی از همین سرپناه های حیوانات و یا گروه های کمک به حیوانات مراجعه کنید. آنها روزهایی را معین می کنند که می شود رفت و گربه ها را دید و از میانشان یکی را برای سرپرستی انتخاب کرد. گربه های خیابانی هم می توانند عضو خیلی خوبی از یک خانواده شوند. شما می توانید یکی از آنها را توی خانه پرورش دهید و بزرگ کنید. این مکان ها درست همان جایی هستند که می توانید یک گربه زا، از خانه موقت به خانه ای همیشگی منتقل کنید. گاهی برای شما سخت است که گربه ای را وارد خانه و زندگی خودتان کنید، ولی در این حالت هم باز راه هایی برای کمک به آنها وجود دارد. مثل کمک کردن به سرپناه حیوانات یا گذاشتن آب و غذا برای گربه هایی که اطراف خانه شما توی خیابان زندگی می کنند.

درباره نویسنده داستان: بشایر عارف نویسنده اماراتی است او با خانواده اش و گربه خانگی مورد علاقه اش به اسم مهتاب در شهر دبی زندگی می کند.



آموزه ای درباره ترکیب بندی و نوردهی با جوئل گرایمز

بخش سوم: ترازمندی

در این فرم از ترکیب بندی بیشتر سوژه در میانگاه قرار می گیرد. این همان نکته ای است که بسیاری از عکاسان چنین می اندیشند که هیچگاه نمی شود سوژه را در میانه چهارچوب بندی کرد، ولی اگر شما چنین کاری کردید و سوژه را در میانه گذاشتید، سپس کوشش کنید تا با بکار بردن چیزهایی در پشت زمینه، به گونه ای به ترازمندی بهتری در عکس دست پیدا کنید.



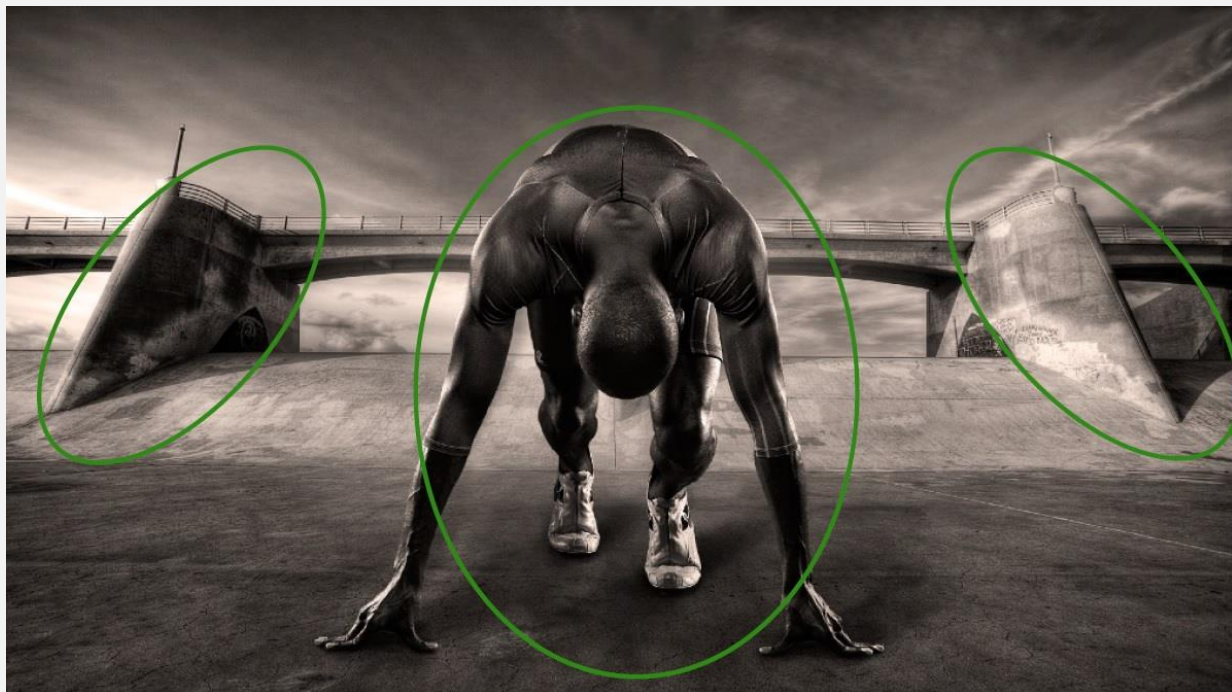
در این عکس با چیدمان دست ها، ترازمندی به دست آمده است. همچنین، این چیدمان شکلی از سه گوش را هم ساخته. در پس آن پارچه توری سرخ رنگ، این اندیشه پنهان بوده است که نگاره ای از یک گل رز آفریده شود.



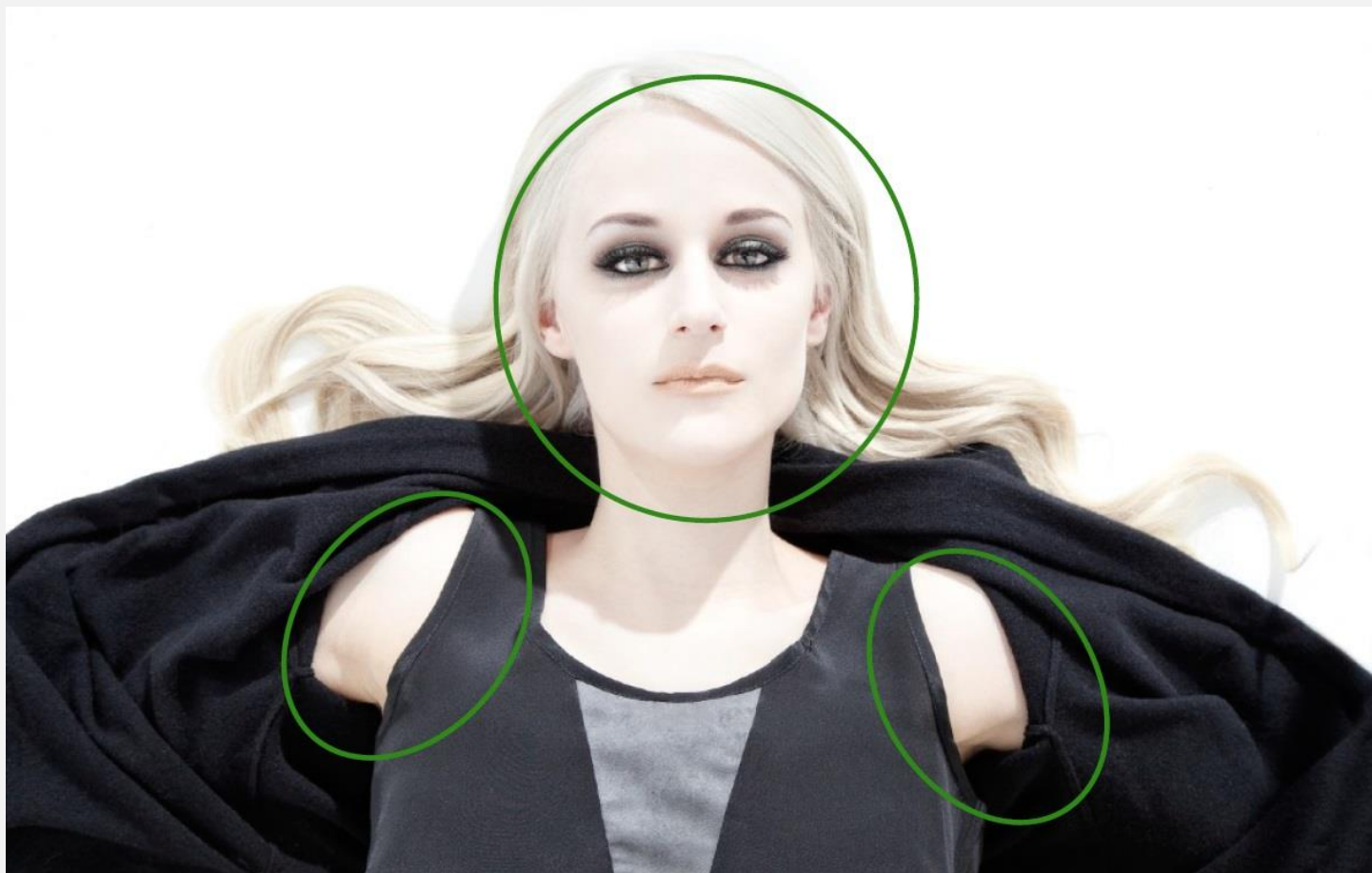
در این عکس هم چندین سه گوش دیده می شود و خط هایی همگرا یک پرسپکتیو را ساخته است. به یاد داشته باشید که در بسیاری از عکس ها، با آمیزه ای از روش های گوناگون ترکیب بندی روبرو خواهید بود. به هر روی، در فرجام، این فرا سوژه است که باید نگاه بیننده را به سوی خودش بکشانند.



در آغاز آهنگ این را داشتم که تنها روش یک سوم را برای این عکس بکار بگیرم، ولی با دیدن چیزهایی که پیرامون سوژه بود، بسیار زود آگاه شدم که نیاز به برقراری تراز در ترکیب بندی است. من همواره با گرفتن چند عکس برای آزمودن، سرانجام ترکیب بندی دلخواه را پیدا می کنم.



شاید جفت و جور شدن این همه چیز در ترکیب بندی به سختی بتواند رخ دهد. در این عکس، هم روش یک سوم را داریم، هم سه گوش ها دیده می شوند و هم تراز بسیار خوبی شکل گرفته است. همچنین، گزینش هوشمندانه یک لنز باز (واید) مایه شکل گرفتن پرسپکتیو و ژرفا در عکس شده است. چنین ژرفایی شاید با چشم به تنهایی دیده نشود، ولی یک عکس خوب این کارکرد را دارد که آن را به ما بنمایاند. در عکس زیر هم، موها، دست ها و جامه ای که بر تن سوژه است، تراز را ساخته اند. بازوها به همراه چهره، یک سه گوش را شکل داده اند. این عکس نمونه هنر ترکیب بندی به ساده ترین و بهترین شیوه است.



ابزارهای کاربردی در عکاسی نورهای آر-جی-بی استوانه ای



نور و نورپردازی یکی از بنیادی ترین پایه های کار در هنر عکاسی است. در این شماره و در بخش ابزارهای کاربردی در عکاسی، کوشش خواهیم کرد تا ابزاری کمابیش تازه را به شما بشناسانیم.

نورپردازهای آر-جی-بی استوانه ای که در اندازه های گوناگونی در دسترس هستند، با تابش دامنه بزرگی از نور، عکاس را برای آفرینشگری در کارش یاری می رسانند. گونه گونی رنگ نور و نیز سامان پذیری سختی نور تابیده شده از آنها، به عکاسی برای نماآرایی و نیز بازآفرینی سبش ها (احساسات و عواطف) بر روی سوژه، توانایی ویژه ای می دهند. همچنین برای ساخت نموده های ویژه (جلوه های ویژه) در عکس، ابزار بسیار خوبی به شمار می آیند. آر-جی-بی (RGB) کوتاه شده نام سه رنگ قرمز، سبز و آبی در زبان انگلیسی است که دامنه گسترده ای از رنگ ها را می توان با آمیزش این رنگ ها به دست آورد.

بازبینی عکس های دیرین

برندگان همآوردی سالانه عکاسی نیکون تا پیش از سده بیستم و یکم



My Family

Iseli Alfons
Switzerland

1970



The Family

René Garrebeek

West Germany

برنده همآوردی عکاسی نیکون سال 1979 در بخش عکس رنگی



Happening 2

Emanuel Ammon

Switzerland

برنده همآوردی عکاسی نیکون در سال 1980 در بخش عکس رنگی



Charna

Jose Hernandez Pina
Spain

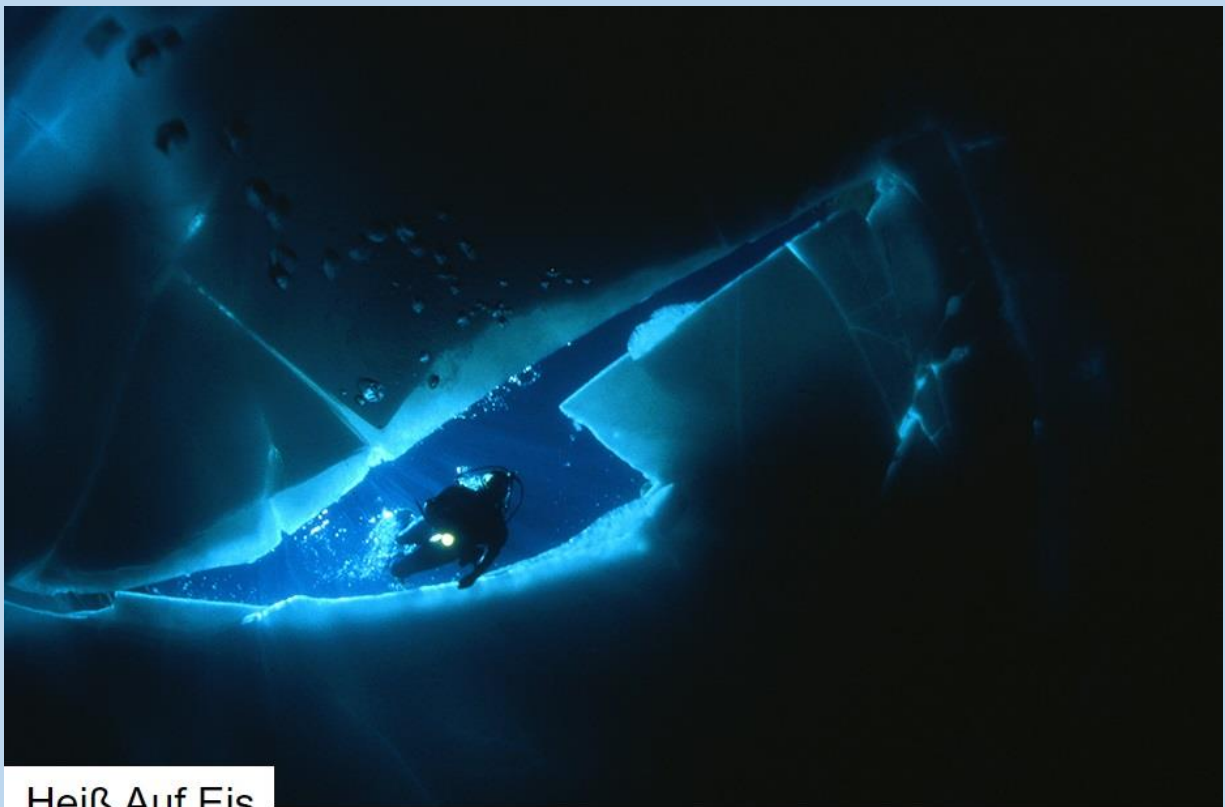
برنده همآوردی عکاسی نیکون سال 1988 در بخش عکاسی زیر آب



Swimming Lessons

Robert Dewilde

برنده همآوردی عکاسی نیکون سال 1989 در بخش سیاه و سفید



Heiß Auf Eis

Walter Zettler

Germany

برنده همآوردی عکس نیکون در سال 1990 در بخش عکاسی زیر آب



Manati

Jürgen Freund

Germany

برنده همآوردی عکاسی نیکون سال 1991 در بخش عکاسی زیر آب



中元節

劉煒燾

Taiwan

پاداش بزرگ همآوردی عکاسی نیکون در سال 1992



The Bride To Be, Being Given Ceremonial Bath

Raghu Rai India

1994

عکس ویژه



عکسی که تندیس شد.

کشته شدگان بمباران کیمیایی حلبچه، عکس: احمد ناطقی، ۱۳۶۶ خورشیدی



Anselmagazine

در پیوند با ما:

نام:

نام خانوادگی:

زمینه هنری یا گرایش عکاسی:

راه تماس با شما:

فرستاده شود به:

info@anselmagazine.com





Anselmagazine



20 03 2024 02 14